

## آیین چهاردهمی؛ روزی با شروه در فرهنگ عامه هرمزگان

فاطمه مدرسی<sup>۱</sup>

سهراب سعیدی<sup>۲</sup>

### چکیده

چهاردهمی مراسمی فال‌گونه است که در چهاردهم ماه صفر برگزار می‌شود و در آن اشعار عامه از جمله دوبیتی و شروه خوانده می‌شود. قدمت مراسم چهاردهمی را به بعد از ورود اسلام به ایران نسبت می‌دهند. این مراسم همه‌ساله از سوی زنان به صورت خودجوش برگزار می‌شود. زنان روستایی که پایه‌پای مردان کار و تلاش می‌کنند، برای جلوگیری از افسردگی و افزودن به شادی و نشاط خود این بهانه را فرصت خوبی برای نشاط و دورهمی می‌دانند و در این مراسم که هیچ مردی وجود ندارد، به شادی و خنده و نشاط و شعرخوانی می‌پردازند. داده‌های این مقاله با روش میدانی و مشاهده مشارکتی گردآوری شده است. هدف این مقاله معرفی و توصیف آیین چهاردهمی و بررسی مضامین و محتوای شروه‌ها و دوبیتی‌هایی است که به عنوان تفریح در طی مراسم خوانده می‌شود. نتیجه این پژوهش که داده‌های آن با تکنیک مشاهده مشارکتی گردآوری شده و با روش اسنادی و کتابخانه‌ای انجام گرفته است، نشان می‌دهد آیین چهاردهمی در بخش‌های مختلف هرمزگان بویژه میناب اجرا می‌شود. بیشترین اشعاری که در طی این مراسم خوانده می‌شود، از فائز دشتستانی، محیای بستکی، رضایی مینابی و برخی شاعران گمنام است. این آیین با نمونه‌هایی مثل «چملو» در کرمان و فال «بلونی» در اصفهان مشابهت دارد.

کلیدواژه‌ها: ادبیات شفاهی، آیین ادبی - مذهبی، چهاردهمی، شروه، فرهنگ عامه، هرمزگان

۱. دکترای زبان و ادبیات فارسی و مدرس دانشگاه ارومیه. رایانه: fatemeh.mdarresi@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی و پژوهشگر فرهنگ عامه میناب (نویسنده مسئول). رایانه:

sohrab\_minab@yahoo.com

## مقدمه

در شعر جنوب ایران، دوبیتی نقش مهمی در حوزه شعر دارد و حیات آن با موسیقی بومی منطقه که گونه‌ای از آن «شروند» یا «شروه» نامیده می‌شود، پیوندی تنگاتنگ دارد. دوبیتی‌های فایز و محیا و مفتون و نادم و باقر و فایز بستکی و دیگر شاعران جنوب، توسط خوانندگان محلی در گونه‌های مختلف موسیقایی محلی که شاخص‌ترین آن‌ها شروند است، خوانده می‌شود. شروه بیشترین سهم را در فلهلویات و ترانه‌های عاشقانه به خود اختصاص می‌دهد. مضمون شروه‌ها، عاشقانه و آکنده از سوز و گداز است. شروه معمولاً بیت‌هایی است که با لحن و صدایی خوش ترنم می‌شود؛ قالبش دوبیتی است اما گاهی غزل و قصیده و تک‌بیتی نیز بدان افزوده می‌شود.

فرهنگ و ادبیات عامه و شعر و سروده، میراث ماندگار گذشتگان کشور ماست که بایستی ابعاد گوناگون آن را شناسایی و حفظ کرد، زیرا هویت فرهنگی و تاریخی اقوام و ملل یکی از شاخص‌های علمی ماندگار به‌شمار می‌رود و پرداختن به آن از ضرورت‌های جامعه است. از آنجا که شکاف بین نسلی روز به روز افزایش می‌یابد، جوان امروزی برای بیان سوز درونی خویش به روش‌هایی متوسل شود که نتیجه آن فراموش شدن فرهنگ ادبی نسل گذشته و از بین رفتن سروده‌های محلی و اصطلاحات عامیانه است. در ادوار گذشته صاحبان این فرهنگ‌ها ترانه را بهترین انیس و مونس خود می‌دانستند و در همه احوال زندگی چه در هنگام کار، استراحت، تاریکی شب، انتظار، ترس، ماتم و شادی آنها را بر زبان جاری می‌ساختند، اما متأسفانه در این عصر برنامه‌های گوناگون، بویژه انواع رسانه‌های دیداری و شنیداری و فضای مجازی کمتر به انسان امروزی مجال آن را می‌دهد که این ترانه‌ها را به خاطر بسپارد و زمزمه نماید؛ بنابراین برای حفظ این نغمه‌های دلکش و شیرین که جایی در صفحات دل ندارند، باید آنها را بر دل صفحات آورد. در فرهنگ عامه هرزگان یکی از مراسمی که با شعر و شعرخوانی همراه بوده، چهاردهمی است که بعضی قدمت آن را ۶۰۰ سال می‌دانند و بعضی دیگر آن را به قرون اولیه اسلامی نسبت می‌دهند و بر این باورند که: «در هنگام به جنگ رفتن امام حسین(ع) در روز عاشورا حضرت زینب(س) استخاره می‌گیرد که آیا امام حسین(ع) از جنگ برمی‌گردد یا خیر. می‌گویند که این مراسم به خاطر تسلی

## آیین چهاردهمی؛ روزی با شروه در فرهنگ عامه هرمزگان ❖ ۱۲۳

دادن به حضرت صغری (س) دختر امام حسین (ع) برگزار شده و ایشان نیت نموده‌اند علی اکبر (ع) و بابش امام حسین (ع) و همه یارانش از جنگ سلامت بازگردند» (ذاکری، میناب، ۱۳۹۵). عده‌ای دیگر نیز بر این باورند که: «این مراسم از زمان حضرت زهرا (س) وجود داشته» (جمعه‌زاده، میناب، ۱۳۹۵). طی این باور حضرت فاطمه (س) هنگامی که حضرت علی (ع) به جنگ کفار رفته بود، برای با خبر شدن از سلامت ایشان، چنین مراسمی را برگزار کرده است.

در استان هرمزگان مراسم چهاردهمی علاوه بر جنبه مذهبی، در واقع «روزی با شعر و شروه» نیز هست که از سوی خانم‌ها به صورت خودجوش در چهاردهم ماه صفر هر سال برگزار می‌شود. در این مراسم اشعار بومی و مذهبی که بیشتر در قالب دوبیتی است، ترنم می‌شود. خوشبختانه در دو دهه اخیر چند فرهیخته هرمزگانی این اشعار را جمع‌آوری و تصحیح کرده‌اند؛ احمد حبیبی اشعار دوبیتی محیا (۱۳۸۶) غیرت (۱۳۷۶) الف) و مجرم بستکی (۱۳۷۶ ب) را تصحیح و چاپ نموده و سهراب سعیدی در کتاب *ترانه‌های چوپان* بیش از پانصد دوبیتی عامه جنوب را تصحیح و منتشر ساخته است. اما تا کنون پژوهش جدی در مورد این مراسم صورت نگرفته و این مقاله آغازگر این راه است.

### مراسم چهاردهمی

مراسم چهاردهمی در هرمزگان و بویژه شهر قدیمی میناب، هر ساله در چهاردهم ماه صفر (از ماه‌های قمری) از سوی خانم‌ها و به منظور برآورده شدن حاجات برگزار می‌شود. وجه تسمیه این مراسم هم، برگزاری آن در چهاردهم ماه صفر است. در این مراسم، زنی که حاجتی دارد یا نذری داشته و نذرش برآورده شده است، مراسم چهاردهمی را در منزل خود برگزار می‌کند. برای این منظور چند روز پیش از برگزاری مراسم، از هفت خانه که اسم یکی از اعضای آنها، فاطمه یا زهرا باشد، به نشانه تبرک و خوش‌یمنی چیزی طلب می‌کند. این درخواست شامل مواد خوشبویی مثل گلاب، بوزرد<sup>۱</sup>، هل، گل خشک محمدی، شاخه نبات، پارچه سبز، کاسه مسی،

۱. ماده‌ای شبیه مشک با رنگ زرد.

## ۱۲۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

گشته و عود<sup>۱</sup> است. پس از فراهم آمدن مواد یاد شده، زنان همسایه و آشنا بویژه زنان خوش صدا و خوش مشرب برای حضور در شب اجرای مراسم فراخوانده می‌شوند. شیوه دعوت مهمانان به این مراسم این‌گونه است که مجری مراسم قبل از بیان مطلب صلوات می‌فرستد و سپس صاحبخانه را از نیت خود آگاه می‌کند. صاحبخانه نیز با فرستادن صلوات و باخوشروبی خواسته او را برآورده می‌سازد و آرزو می‌کند که به حق محمد و آل محمد(ص) هر چه زودتر به آرزویش برسد و قول می‌دهد که در مراسم شرکت کند. صاحبخانه شب اجرای مراسم خانه را معطر می‌سازد و با دود کردن اسپند و عود و گشته فضایی روحانی و معنوی را ایجاد می‌کند. هر کس که وارد خانه می‌شود صلوات می‌فرستد و حضار نیز با صلوات پذیرای او می‌شوند.

در آغاز مراسم مواد خوشبو را در ظرف مسی می‌ریزند و سپس مقداری گلاب و آب به همراه برگ‌های تازه هفت درخت بی‌خار و و گل‌های خوشبو را به آن اضافه می‌کنند. به این مواد برگ مورد و حنا نیز می‌افزایند و پارچه سبزی را بر روی کاسه می‌کشند. آنگاه دختری ۶-۵ ساله را که نامش فاطمه یا زهرا است و از قبل استحمام کرده، لباس تمیز و مرتبی می‌پوشانند و او را کنار سطل یا کاسه مسی بزرگ می‌نشانند تا محتویات درون ظرف مسی را هم بزند. همه گرد او حلقه می‌زنند. به خواسته بزرگ‌تر مجلس هر کس حاجتی دارد نشانه‌ای از خود را در ظرف می‌اندازد. در این هنگام حضار که همگی خانم هستند، نیت می‌کنند و انگشتر، انگو، گوشواره، پلاک، ساعت، گیره مو، خلخال و مهره‌های تزئینی را درون آن سطل می‌اندازند. قبل از انداختن نشانه‌ها دقت می‌کنند که آنها مشابه نباشند و در ضمن مشخص شود که هر یک از آن اشیا، متعلق به چه کسی است. آن‌گاه با فرستادن صلوات، مجلس آماده برگزاری مراسم می‌شود. زنانی که خوش صدا هستند، به درخواست صاحب مجلس به نوبت هر کدام یک دوبیتی می‌خوانند. گاه از پیرمردان آشنا نیز برای حضور و دوبیتی‌خوانی در مجلس دعوت می‌شود. این دوبیتی‌ها معمولاً از فایز، محیا، باقر یا دیگر سرایندهگان بومی هرزگان هستند و می‌توانند عاشقانه و عارفانه باشد.

---

۱. دو ماده خوشبو.

## آیین چهاردهمی؛ روزی با شروه در فرهنگ عامه هرمزگان ❖ ۱۲۵

پس از خواندن هر دویتی از کودک می‌خواهند تا یک نشانه از وسایل درون ظرف را بیرون آورد. تفسیری که از دویتی می‌شود، مبنی بر خوب یا بد بودن مفهوم آن، وضعیت تفأل صاحب نشانه را نیز مشخص می‌کند. معمولاً فردی صاحب‌دل و باتجربه و آگاه، شعر را برای صاحب آن شیء تفسیر می‌کند که اگر آن شعر عاشقانه باشد، معمولاً خنده خانم‌های حاضر را در پی دارد. این مراسم با بذله‌گویی و نشاط تا درآوردن آخرین نشانه ادامه می‌یابد و از میهمانان با چای و شیرینی و شربت پذیرایی می‌شود. چهاردهمی در طول سال سه مرتبه و آن هم در شب سیزدهم ماه صفر و در عصر چهارشنبه ماه صفر و در شب آن برگزار می‌شود. در برخی مناطق هرمزگان از جمله بندرکنگ در ظرفی چینی که به آن «شربت» می‌گویند، حنا و گلاب می‌ریزند و مراحل چهاردهمی را انجام می‌دهند. این مراسم در این منطقه بیشتر به این منظور انجام می‌شده است که جهازهایی که به سفر دریایی می‌رفتند، تأخیری در بازگشت نداشته باشند و شوهران و مردان آنها به سلامت برگردند. عده‌ای به نیت تشریف به کربلا، حج و زیارت ائمه اطهار (ع)، عده‌ای با نیت اینکه خداوند فرزندی به آنان عطا کند، بعضی‌ها برای رفع مریضی و گرفتاری و عده‌ای نیز برای باز شدن بخت خود و ازدواج کردن، انگشتر و النگو به داخل ظرف می‌اندازند.

اشعار را بعضی از حفظ و بعضی هم از روی کتاب می‌خوانند و بیشتر در وصف ائمه اطهار (ع) و پیامبر (ص) و از کتاب‌هایی مثل دیوان حافظ است؛ ابیاتی که مضمون آن وصف اولیای الهی و درخواست از خداوند متعال است یا متناسب با نیت شرکت‌کنندگان و خواستن آن حاجات از خدای تبارک است؛ مثل توفیق زیارت ائمه معصومین (ع)، رفع گرفتاری و مریضی، بچه‌دار شدن، شاغل شدن و باز شدن بخت. در قدیم اشعار فقط در باب ائمه هدی (ع) بوده است. اگر وسیله متناسب با نیت کسی از ظرف بیرون آمد و شعر خوانده شده هم با منظور او سازگار بود و تا قبل از ۱۴ ماه صفر سال آینده به حاجت خود رسید، مراسم سال بعد در منزل او برگزار می‌شود.

پس از پایان مراسم شرکت‌کنندگان قصد بردن مقداری از محتویات درون سطل را می‌کنند و به نشانه تبرک آن را به سر و صورت خود می‌مالند و آنگاه صلوات می‌فرستند و آرزو می‌کنند که حاجت همه اهل مجلس، بویژه صاحبخانه برآورده شود.

## ۱۲۶ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

## دوبیتی

دوبیتی‌ها را در کتب ادبی، فهلویات و ترانه نیز نامیده‌اند، اما مردم عامه دوبیتی را با نام‌های دیگر به کار برده‌اند؛ برای مثال مردم جنوب دوبیتی را شروند (شروه) می‌نامند؛ دوبیتی کلامی است همراه با سوز و گداز که همچون نی، درون عاشقان را مشتعل سازد و هرگاه با آهنگی دلنشین در فضا طنین‌انداز شود. آنگاه آدمی سکوت اختیار کند و به اوج آرامش و لذت روحی رسد.

دوبیتی از جهتی نشانگر غم غربت، غم از دست دادن عزیز، حزن درون و فراق معشوق است و از طرفی بیانگر شادی، وصال و رسیدن به یار است. در جای جای استان هرمزگان دوبیتی‌هایی یافت می‌شود که شاعران، آنها را از ژرفای وجود سروده‌اند و بیانگر آرزوها، ناکامی‌ها، غم‌ها و لذت‌ها و شادی‌های مردم خونگرم این سرزمین دیر پای است.

## شروه و شروه‌خوانی

«شروه در اصطلاح موسیقی، نوعی از خوانندگی است که به آن شهری نیز می‌گویند و شروه‌خوان، آن است که به آهنگ شروه را می‌خواند» (دهخدا، ذیل شروه). شروه در سایر نقاط کشور پهناور ایران، نام‌های متفاوتی چون شهری، حاجیانی، شنبه‌ای (در دشتی و دشتستان)، غریبی و غربتی (در کرمان)، فایزخوانی (در دشتستان) و محیاخوانی (در برخی نقاط هرمزگان) دارد.

شروه، قدیمی‌ترین، مهم‌ترین و معروف‌ترین گونه آوازی، در موسیقی هرمزگان است که «غالباً در مناطق روستایی استان هرمزگان و بوشهر رایج بوده و از این رو می‌توان آن را موسیقی روستایی به شمار آورد» (شریفیان، ۱۳۸۹: ۲۱). رستگار فسایی می‌نویسد: «شروه که به عنوان آواز دشتی و دشتستانی هم معروف است، معمولاً بیت‌هایی است که با لحنی خاص در جنوب ایران (استان بوشهر و هرمزگان) خوانده می‌شود». (رستگار فسایی، ۱۳۸۰: ۱۲۵)

## آیین چهاردهمی؛ روزی با شروه در فرهنگ عامه هرمزگان ❖ ۱۲۷

پیشینه شروه‌سرایی به درستی مشخص نیست، اما «از عصر قاجار به بعد، بویژه بعد از اینکه اشعار محمدعلی دشتی متخلص به فایز، مورد توجه قرار گرفت. شروه‌خوانی نیز در کانون توجه عوام واقع گشت؛ به طوری که اگر رنسانسی را برای شروه‌خوانی قایل شویم، باید آن را در این دوره بررسی کنیم. پس از آن شهرت شروه و فایز از مرز روستاها به سایر شهرها و مناطق ایران نفوذ یافت. در این دوره اغلب شروه‌خوانی را فایزخوانی نامیدند، زیرا معمولاً در شروه‌خوانی از دوبیتی‌های فایز استفاده می‌شد.» (شریفیان، ۱۳۸۹: ۲۱)

هنر شروه‌خوانی یا محیاخوانی در حوزه جغرافیایی هرمزگان، سابقه‌ای ۳۰۰ ساله دارد. شروه در هرمزگان با نام «محیا» گره خورده است و شهر بستک و میناب در استان هرمزگان در امر شروه‌خوانی و شروه‌سرایی پیشتاز هستند. هر چند در میناب از اشعار محیا کم‌تر استفاده می‌شود.

### درونمایه شروه

درونمایه شروه‌های مردمی متنوع است؛ گاهی مواقع مذهبی است که شور و شیفستگی نسبت به ساحت امامان معصوم (ع) در آن ظهور می‌یابد. علاقه و عشق به پیامبر و خاندان مطهرش در این گونه فهلویات چهره می‌گشاید. بیشترین سهم را در فهلویات ترانه‌های عاشقانه به خود اختصاص می‌دهد. این ترانه‌ها هر چند عاشقانه هستند، اما سوزوگداز زیادی در آنها نهفته است. درونمایه بعضی دیگر از فهلویات بی‌ارزشی و بی‌وفایی از دنیاست و اینکه جهان گذرا بقایی ندارد و به هیچ کس وفادار نیست:

خدا یا که زمانه مفلسم کرد	طلا بودم که حالا با مسم کرد
طلا بودم سر دست بزرگان	که حالا کمترین مجلسم کرد

(حبیبی، ۱۳۸۶: ۲۵)

## ۱۲۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

در بعضی از این شروه‌ها نیز از فقر و تنگدستی مردم سخن به میان می‌آید؛ این فهلویات جان‌آشوب، رنج فقیرانه زیستن مردم را نمایان می‌سازد:

تن محنت‌کشی دارم خدایا      دل حسرت‌کشی دارم خدایا  
ز شوق مسکن و داد غریبی      به سینه آتشی دارم خدایا

(سعیدی، ۱۳۸۶: ۲۹)

## الف) مضامین و محتوای شروه‌های چهاردهمی

اشعاری که در مراسم چهاردهمی ترنم می‌شود، بیشتر در قالب دوبیتی است که چهاردهمی‌خوانان چند دوبیتی را به صورت پیوسته می‌خوانند که البته این خوانش و فرم و شکل شبیه قالب چهارپاره نیست. البته شروه‌هایی در غیر قالب دوبیتی نیز دیده می‌شود که قنبر راستگو معروف به خالوقنبر یا قنبراحمد سروده و اجرا کرده است. ولی روی هم رفته شروه در جنوب با قالب دوبیتی شناخته شده است.

«دوبیتی‌ها در لهجه‌های ساحل‌نشینان بسیار لطیف و دلکش است و آوازهای محلی به همراهی سازهای بومی که به تدریج از بین می‌رود خوانده می‌شود. سوز عشق، غم یتیمی، درد و رنج فقیری، ناسازگاری روزگار، امید دراز و انتظار برای بازگشت مسافر، درد پیری و گرفتاری جوانی، ترس از ستمگر و امید به رهایی از ظلم در ترانه‌های محلی همه نقاط خلیج فارس منعکس است.» (اقتداری، ۱۳۵۶: ۲۷)

## ب) شروه‌های دینی - عقیدتی

در این گونه شروه‌ها به ذکر خصایل نیکوی حضرت پیامبر و حضرت علی (ع) و ائمه اشاره می‌شود و همین‌طور حمد و ستایش خداوند به جای می‌آید. در شروه‌های هرمزگان اشعار با این مضمون زیادند که به ذکر نمونه‌هایی اکتفا می‌کنیم:

سر زلفت الف لام است و میم است      دهانت حلقه دال است و جیم است  
به قربان سر زلف تو محیا      که بسم الله رحمان الرحیم است

(حبیبی، ۱۳۸۶: ۱۳۲)



### ج) شروه‌های عاشقانه

هر چند مضمون اکثر شروه‌های جنوب پس از ذکر و حمد و ستایش خداوند و مدح و منقبت پیامبر، امامان و بزرگان دین به موضوع اجتماعی و سختی و رنج کار ختم می‌شود، اما باز هم شروه‌هایی با مضامین عاشقانه وجود دارد که شاعر در فکر جوانی کردن است. این شروه‌ها در بین پیر و جوان طرفدار دارد و بر زبان آنها جاری می‌شود. در این جا به ذکر نمونه‌ای بسنده می‌کنیم:

خداوندا به حق صبر ایوب      به حق ناله و فریاد یعقوب  
به حق یوسف و حسن زلیخا      رسانی مطلب ما را به محبوب

(همان، ۱۵۱)

در دوبیتی یاد شده، عاشق پس از ذکر خداوند و آوردن چند تلمیح عاشقانه، از حق سبحانه می‌خواهد که پیامش را به محبوب برساند. در ادبیات فارسی معمولاً عاشق برای رسیدن به معشوق، راز دلش را به باد صبا می‌گوید، اما در دوبیتی‌های عامه جنوب، باد صبا همان حضرت حق است.

گلی دارم که از گل‌ها نشان است      به تابستان، زمستان، گل جوان است  
خزان آید که گل‌ها جمله ریزند      گل محیا در عالم بی‌خزان است

(همان، ۱۵۱)

دو ول دارم یکی گوهر یکی گنج      یکی از دل برد غصه یکی رنج  
بلند اقبالی محیا ببینید      نشسته در میان گوهر و گنج

(همان، ۱۵۵)

مضمون و محتوای شروه‌های هرمزگان افزون بر رنج و اندوه و شکوه از سختی کار، گاهی نیز به زودگذر بودن دوران عمر آدمی اشارت دارد. گاهی هم پند و نصیحت، اشاره به قیامت، رسم خرقه‌پوشی، شکایت از رفتن جوانی، نکوهش مردم، بی‌اعتباری

## ۱۳۰ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

دنیا، ایام و فصول زندگی، سوگند، مدح پیامبر و منتقبت حضرت علی(ع) مضامین آن را شکل می‌دهند. در شروه‌ها اعتقاد راسخ به حق تعالی موج می‌زند، همین‌طور گله از طالع و بخت یکی از موضوعات آن است. چنانکه از شهرها سخن به میان می‌آید و در نهایت به مرگ اشاره دارد که سرنوشت محتوم موجودات فانی است.

## د) حضرت محمد(ص) در شروه‌های هرمزگان

دم صبحی شتر له وار<sup>۱</sup> می‌رفت      جَلَب<sup>۲</sup> رنگین و بی‌افسار می‌رفت  
الهی دیده‌ محیا شود کور      محمد خود به نزد خاک می‌رفت

(همان، ۱۴۲)

محمد سرور دنیا و دین است      محمد جد زین العابدین است  
محمد از خلائق جمله بهتر      امام اول و آخر همین است

(همان، ۱۵۰).

دم دالان دلبر، تکیه‌گاه است      خدا و پیر و پیغمبر گواه است  
هر آن کس دل شکی دارد به محیا      که شیطان لعنتی، رویش سیاه است

(همان، ۱۵۲)

## ه) شکایت از رفتن جوانی و بی‌اعتباری دنیا

در اشعار زیر، شاعر به سبب اندوه از دست دادن فرزند، از بی‌اعتباری دنیا سخن می‌گوید:

به تابستان بهاری چون رطب نیست      به دنیا یادگاری چون پسر نیست  
قلم آرید که محیا خط نویسد      که دنیا اعتبارش تا سحر نیست

۱. له‌وار: رهوار، صاف و هموار رفتن.

۲. جَلَب: شتر جوان، در بعضی از گویش‌های هرمزگان از جمله میناب به گاو نر جوان و برومند نیز جلب می‌گویند.

### آیین چهاردهمی؛ روزی با شروه در فرهنگ عامه هرمزگان ❖ ۱۳۱

و در این دوبیتی که شکایت از گذران بودن عمر و رفتن و سپری شدن زود هنگام جوانی دارد:

چه سازم که جوانی ام به سررفت      درخت شادکامی بی‌ثمر رفت  
درخت شادکامی یار محیا      چو مهمانی که شام آمد سحر رفت

(همان)

و این دوبیتی حکایت از بی‌اعتباری دنیا دارد:

عزیزان میوه‌ای همچون شکر نیست      در عالم یادگاری چون پسر نیست  
قلم آرید تا محیا نویسد      که دنیا اعتبارش تا سحر نیست

در این اشعار شاعر انگشت نقد بر مال‌اندوزی می‌نهد:

دلَم از غصه دنیا ملول است      که یومیه بلیاتی نزول است  
اوامر فسخ و منهیات جاری      حساب شغل مردم جمع پول است

(همان، ۱۵۱)

بی‌وفایی روزگار یکی دیگر از موضوع‌های شروه است که در آن شاعر به بی‌ارزشی جهان خاکی و عمر دو روزه و اینکه آدم عارف و آگاه تعلق خاطر بدان ندارد، اشارت می‌کند:

دلَم غم دارد و شادی ندارد      ولایت بوی آبادی ندارد  
برات عمر محیا چار روز است      کرامندی<sup>۱</sup> به دامادی ندارد

---

۱. اهمیت، ارزش.

۱۳۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

(و) سوگند در شروه‌های هرمزگان

در شروه‌های هرمزگان سراینده برای اثبات صحت سخن خویش و پذیرش آن از جانب مخاطب به سوگند متوسل می‌شود:

الا محیا سر بُشکِ تو سوگند      سخن دارم مثال گوهر پند  
سخن‌های بد از بدگو شنیدم      گناه از بنده و عفو از خداوند

(همان، ۱۵۹)

و:

قسم بر سیصد و شصت یار سوگند      به معصومان کم‌گفتار سوگند  
که محیا غیر تو یاری نگیرد      به زلف احمد مختار سوگند

یا:

الا سید سر جد تو سوگند      سخن دارم ولی از گفتنش ننگ  
همان حرفی که از نادان شنیدی      گناه از بنده و عفو از خداوند

(همان، ۱۸۱)

(ز) فلک در شروه‌های هرمزگان

در اشعار عامه هرمزگان، اعتقاد به فلک و صور فلکی و ستاره‌ها به چشم می‌خورد و این حاکی از باور سراینندگان عامه‌سرای هرمزگانی به تأثیر آسمان و فلک در سرنوشت انسان است:

فلک گاهی دهد، گاهی ستاند      ندانم کی به کام دل رساند  
فلک هر روز بر برجی سوار است      ندانم خود به محیا کی رساند

(همان، ۱۸۴)

### آیین چهاردهمی؛ روزی با شروه در فرهنگ عامه هرمزگان ❖ ۱۳۳

و:

فلک هر روز سنگی می تراشد      ندانم طالع بخت که باشد  
بیا محیا نگاه طالعت کن      که بلکه طالع بخت تو باشد

(همان، ۱۷۴)

#### دوبیتی‌هایی که در مراسم چهاردهمی ترنم می‌شود

سرایندگان بیشتر این دوبیتی‌ها مشخص نیست اما این اشعار را مردمان بی‌نام و نشان سروده‌اند که ساده می‌زیستند، اما دلی خوش داشتند و همواره می‌کوشیدند تا احساسات درونی خود را با زبانی نرم و لطیف ابراز نمایند. در جنوب هرمزگان اشعار عامیانه به جز اشعار رضایی، حسینی، باقر نظامی، شمالو و محیا - شاعر بومی و مردمی سرای بستک - اشعار عامیانه دیگر دارای تخلص نیستند. از اشعار محیاست:

پسینگاهی برفتم سیل باغی      بدیدم بلبلی در چنگ زاغی  
عجب سری ندیده دیده محیا      به شیب دود می‌سوزد چراغی

(حبیبی، ۱۳۸۶: ۶۲)

و:

به تابستان بهار لاله آمد      به سن بیست غم صد ساله آمد  
برای خاطر مولای محیا      شکر بی کشتی از بنگاله آمد

(همان)

۱۳۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

از حسینا:

شتر دیدم رودبار می‌رفت  
به دل گفتم سر راهش بگیرم

جهاز رنگین و بی‌افسار می‌رفت  
حسینا بود به نزد یار می‌رفت

(سعیدی، ۱۳۸۷: ۲۹)

و از باقر نظامی:

بیا باقر بسی خواری کشیدی  
کلید باغ گل دادم به دستت

به فصل بهار قامت پیری رسیدی  
پشیمانی که چرا آخر نچیدی

(همان، ۳۱)

و سمالو<sup>۱</sup> گوید:

شمالو کار خود یک‌کاره کردی  
زدی بر کشتون کل عالم

زدی بر کشته و دل پاره کردی  
ستم‌کش بر من بیچاره کردی

(همان)

از اشعار رضایی:

نشینم تا بلند آید سه تایی  
خروس پای عرش آید به آواز

نیامد خواب به چشمان رضایی  
نیامد خواب به چشمان رضایی

(همان، ۲۸)

**جمع‌بندی**

یکی از آیین‌هایی که در استان هرمزگان و در چهاردهم ماه صفر از سوی خانم‌ها برگزار می‌شود، مراسم چهاردهمی است. در مورد قدمت این آیین نظرهای متفاوتی وجود دارد؛ بعضی بر این باورند که از ابتدای قرون اولیه اسلام این مراسم اجرا می‌شده

۱. شاید = سمال: اسماعیل.

## آیین چهاردهمی؛ روزی با شروه در فرهنگ عامه هرمزگان ❖ ۱۳۵

است و بعضی دیگر معتقدند که چهاردهمی قدمت چهارصدساله دارد. ولی از آنجا که فایز در دوره قاجار و محیا در عصر صفویه می‌زیست و بیشتر اشعاری که در این مراسم خوانده می‌شود، از این دو شاعر و بعضی دیگر شاعران عامه‌گوی چون رضایی و مشهور است، به نظر می‌رسد، قدمت این مراسم بیشتر از چهارصدسال نیست.

این مراسم در این منطقه بیشتر به منظور برآوردن مقصود و آرزویی خاص برگزار می‌شود؛ آرزوهایی چون برگشت لنج‌هایی که به سفر دریایی می‌رفتند و سلامتی شوهران و مردان لنج‌سوار، نیت تشریف به کربلا، حج و زیارت ائمه اطهار(ع)، اعطای فرزند و رفع مریضی و گرفتاری. عده‌ای نیز برای باز شدن بخت خود و ازدواج کردن، انگشتر یا انگویی را در ظرف خاصی که برای همین منظور در این مراسم تعبیه کرده بودند، می‌انداختند.

در مراسم چهاردهمی که نوعی تفال و شعرخوانی عامیانه است، اشعاری از محیا، مشهور، رضائی و سایر شعرای بی‌نام و نشان و گمنام خوانده می‌شود که بیشتر در قالب دوبیتی عامیانه است و بدان شروه می‌گویند. رنگ و بوی اندیشه‌ها و آرزوهایی که در دوبیتی‌های عامه وجود دارد، متنوع است. اما به طور کلی می‌توان از نظر محتوا و مضمون اشعاری را که در آیین چهاردهمی خوانده می‌شود، به دو دسته تقسیم کرد: دسته‌ای که جنبه و محتوای مذهبی دارد و بیشتر در حمد خداوند، مدح پیامبر و منقبت امامان است و گونه‌ای که جنبه عاشقانه دارد و از فراق و وصال یار سخن می‌گوید.

در مراسم چهاردهمی هیچ مردی وجود ندارد و بیشتر با حضور دختران و زنان جوان و تعداد کمی از زنان کهنسال و میانسال، برگزار می‌شود. در برخی مناطق هرمزگان از جمله بندرکنگ در ظرف چینی که به آن «شربت» می‌گویند، حنا و گلاب می‌ریزند و مراسم چهاردهمی را انجام می‌دهند. پس از پایان مراسم شرکت‌کنندگان قصد بردن مقداری از محتویات درون سطل را می‌کنند و به نشانه تبرک آن را به سر و صورت خود می‌مالند و آنگاه صلوات می‌فرستند و آرزو می‌کنند که حاجت همه اهل مجلس، بویژه صاحب‌خانه برآورده شود.

### منابع

- اقتداری، احمد (۱۳۶۹). زبان محلی و فولکلور خلیج فارس. تهران: مطالعات خلیج فارس.
- حبیبی، احمد (۱۳۷۶ الف). دیوان غیرت بستکی، قم: انتشارات همسایه.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۶ ب). دوبیتی‌های مجرم بستکی. قم: انتشارات همسایه.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶). محیا شاعری از جنوب. شیراز: نوید.
- دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۲). لغت‌نامه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۰). انواع شعر فارسی. شیراز: نوید.
- سعیدی، سهراب (۱۳۸۷). ترانه‌های چوپان. قم: موعود اسلام.
- شریفیان، محسن (۱۳۸۹). موسیقی بوشهر در عصر باستان. تهران: آینه کتاب، تهران، چاپ اول.

### مصاحبه

- جمعه‌زاده، لیلا (۱۳۹۵). ۵۸ ساله، خانه‌دار، روستای کلنتان میناب، هرمزگان.
- ذاکری، خیری (۱۳۹۵). ۷۰ ساله، خانه‌دار، روستای محمودی میناب، هرمزگان.